

ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی

تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا

میرزا محمد کالجی

با دبیرخانه‌ای از

سرگئی مارکدونیف

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۴

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: کوزه‌گر کالجی، ولی، ۱۳۵۸-

عنوان و نام پدیدآور: ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا / تالیف ولی کوزه‌گر کالجی؛

[به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۶۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۷۳۴-۹

بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۵] - ۴۵۴. همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سیاست جغرافیایی -- آسیای مرکزی

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: آسیای مرکزی -- روابط خارجی -- ایران

موضوع: روسیه -- روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: آسیای مرکزی -- روابط خارجی -- روسیه

موضوع: آسیای مرکزی -- روابط خارجی -- چین

موضوع: چین -- روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: آسیای مرکزی -- سیاست و حکومت

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- آسیای مرکزی

موضوع: آسیای مرکزی -- روابط خارجی -- ایالات متحده

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره نشر

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹۷۸ / ۱۰۸۰ JQ

رده‌بندی دیویی: ۹۵۸ / ۰۴۳

شماره کتابشناسی: ۳۸۹۵۳۶۹

ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا

مؤلف: ولی کوزه‌گر کالجی

با دیباچه‌ای از: سرگئی مارکدوفت

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

همانگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: مریم حجازی

صفحه آرای: سحر حسینی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۳۲۵۶۵، ۲۲۲۹۷۰۲۹، فاکس: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نماینده‌گی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

۱	دیاجه سرگئی مارکدوف
۷	بیشگفتار

بخش اول

کلیات

۱۵	مقدمه
۱۷	منطقه آسیای مرکزی: بستی بران نامگذاری و تعریف جغرافیایی
۲۵	اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی: تلاقی در میان برها
۲۹	آسیای مرکزی: از بازی بزرگ با بازی بزرگ جدید
۳۹	پنج تحول جدید در منطقه آسیای مرکزی
۵۰	چارچوب مفهومی: همزمنی و ضد همزمنی
۵۶	نظم موازنه محور: از موازنه سخت تا موازنه نرم

بخش دوم

مطالعه تطبیقی جایگاه ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی

۵۹	مقدمه
۶۳	فصل اول: حوزه جغرافیایی - ژئوپولیتیک: وابستگی نامتوازن
۶۴	مرزهای جغرافیایی: پیوستگی مرزی و جغرافیایی نامتوازن
۶۵	هویت ژئوپولیتیک سه کشور در آسیای مرکزی: هویت‌های قاره‌ای و دریایی
۶۷	علاقه‌های ژئوپولیتیک سه کشور در آسیای مرکزی: وابستگی ژئوپولیتیک
۷۱	فصل دوم: حوزه سیاسی - استراتژیک: همزمنی فدراسیون روسیه
۷۲	ایران و آسیای مرکزی: با اهمیت اما غیر استراتژیک
۷۵	چین و آسیای مرکزی: از ابهام تا منزلت استراتژیک
۷۷	روسیه و آسیای مرکزی: رویکرد همزمنیک و منزلت پایدار استراتژیک

۸۰	پیشینه فکری و سیاسی رهبران آسیای مرکزی
۸۲	مکانیسم‌های منطقه‌ای روس‌محور
۸۴	جامعه دیاسپورای روسی در آسیای مرکزی
۸۹	فصل سوم: حوزه دفاعی - امنیتی: سلطه و محوریت فدراسیون روسیه
۹۰	روسیه و آسیای مرکزی: امنیت و ثبات در خارج نزدیک
۹۲	جایگاه روسیه در زیرساخت‌های نظامی و امنیتی آسیای مرکزی
۹۳	مکانیسم‌های دفاعی منطقه‌ای روس‌محور
۹۷	پایگاه‌های نظامی روسیه در آسیای مرکزی
۹۸	پایگاه نظامی ۰۱ وزارت دفاع روسیه در تاجیکستان
۹۹	پایگاه هوایی کانت روسیه در ترکمنستان
۱۰۱	سیستم راداری و موشکی روسیه در قزاقستان
۱۰۳	چین و آسیای مرکزی: حوزه امنیتی دفاعی
۱۰۴	ایران و آسیای مرکزی: حوزه امنیتی - انتظامی
۱۰۹	فصل چهارم: حوزه اقتصادی: خیزش و برتری جمهوری خلق چین
۱۱۱	فدراسیون روسیه: کاهش تدریجی جایگاه انحصاری و منطقه‌ای
۱۱۴	خیزش و برتری اقتصادی چین در آسیای مرکزی: طرح مارشال چین
۱۱۵	مبادلات انرژی چین با آسیای مرکزی
۱۱۷	احداث خطوط لوله انتقال انرژی
۱۱۹	عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از میادین نفت و گاز آسیای مرکزی
۱۲۱	مالکیت شرکت‌های نفت و گاز آسیای مرکزی
۱۲۲	مناسبات تجاری چین و آسیای مرکزی
۱۲۳	سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های اقتصادی آسیای مرکزی
۱۲۵	جایگاه اقتصادی ایران در آسیای مرکزی: روندهای پرفراز و نشیب
۱۳۱	فصل پنجم: حوزه فرهنگی - تمدنی: جایگاه تاریخی و برتر ایران
۱۳۱	ایران و آسیای مرکزی: پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی

حاکمیت ۱۳۰ ساله روس‌ها: گسست فرهنگی ایران و آسیای مرکزی	۱۳۴
فروپاشی شوروی: تجدید پیوندهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی	۱۳۶
جایگاه فرهنگی روسیه و چین در آسیای مرکزی	۱۳۹

بخش سوم

پیامد سیاست خارجی آمریکا بر منافع سه کشور در آسیای مرکزی

مقدمه	۱۴۵
فصل اول: آمریکا، ایران در آسیای مرکزی: انزوای استراتژیکی و اقتصادی	۱۴۷
دولت جرج بوش پدر: گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز محور ایران (۱۹۹۲-۱۹۸۸)	۱۵۰
دولت اول بیل کلینتون: تداوم گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز محور ایران (۱۹۹۲-۱۹۹۶)	۱۶۴
دولت دوم بیل کلینتون: گفتمان صلح‌رایی مردم‌سالار ایران (۱۹۹۶-۲۰۰۰)	۱۷۶
دولت اول جرج بوش پسر: تداوم گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۴)	۱۹۵
دولت دوم جرج بوش پسر: گفتمان اصول‌گرایی عالت‌محور ایران (۲۰۰۴-۲۰۰۸)	۲۰۳
دولت اول باراک اوباما: تداوم گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور ایران (۲۰۰۸-۲۰۱۲)	۲۲۴
دولت دوم باراک اوباما: گفتمان اعتدال‌گرایی ایران (۲۰۱۲ تا کنون)	۲۳۶
فصل دوم: آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی: چهره ژانر سیاسی و تعامل و تقابل	۲۴۵
دولت جرج بوش پدر: گفتمان یوروآتلانتیسم روسیه (۱۹۸۸-۱۹۹۲)	۲۴۸
دولت اول بیل کلینتون: گفتمان یوروآسیانیسم روسیه (۱۹۹۲-۱۹۹۶)	۲۵۲
دولت دوم بیل کلینتون: نظریه توازن قوای روسیه-دکترین پریماکف (۱۹۹۶-۲۰۰۰)	۲۶۰
دولت جرج بوش پسر: قدرت بزرگ هنجارمند روسیه پوتین (۲۰۰۸-۲۰۰۰)	۲۷۵
مرحله مقاومت منفی: دوران غلبه تعامل بر تقابل (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶)	۲۸۰
مرحله مقاومت مستقیم: دوران غلبه تقابل بر تعامل (۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸)	۲۹۶
دولت اول باراک اوباما: سیاست «از سرگیری» آمریکا و اصل «سازگاری» مدودف	
	۳۰۲ (۲۰۱۲-۲۰۰۸)
دولت دوم باراک اوباما: انتخاب پوتین و بازگشت به مقاومت مستقیم (۲۰۱۲ تا کنون)	۳۱۲

۳۲۳	فصل سوم: آمریکا و چین در آسیای مرکزی: ابهام و رقابت استراتژیکی
۳۲۶	مرحله اول: دوران ابهام و تردید (۱۹۹۱-۱۹۹۵م.)
۳۳۲	مرحله دوم: دوران نفوذ و بسترسازی (۱۹۹۶-۲۰۰۰م.)
۳۳۸	مرحله سوم: دوران رقابت استراتژیک (۲۰۰۱م. تا کنون)

بخش چهارم

الگای ضد هژمونی سه کشور در قبال آمریکا: نظم موازنه محور در آسیای مرکزی

۳۵۳	مقدمه
۳۵۵	فصل اول: الگوی ضد هژمونی ایران: موازنه نرم به محوریت فرهنگ و اقتصاد
۳۶۵	فصل دوم: الگوی ضد هژمونی روسیه: موازنه سخت به محوریت توان دفاعی
۳۷۳	فصل سوم: الگوی ضد هژمونی چین: موازنه نرم به محوریت اقتصاد

بخش پنجم

جایگاه ایران در تحولات آسیای مرکزی: راهبردهای پیشنهادی

۳۸۱	مقدمه
۳۸۴	ضرورت واقع‌بینی: مقدورات و محدودت‌های ایران در آسیای مرکزی
۳۸۶	تدوین سند چشم‌انداز سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی
۳۹۱	تدوین و انتشار گزارش سالیانه سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی
۳۹۳	تعریف پارادایم حاکم بر سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی
۴۰۴	دیپلماسی اقتصادی ایران در آسیای مرکزی: ضرورت بازنگری
۴۱۵	دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی: ضرورت تمرکزگرایی به محوریت وزارت امور خارجه
۴۲۱	دیپلماسی دفاعی ایران در آسیای مرکزی: ضرورت سطح‌بندی و تمرکز بر امور امنیتی و انتظامی
۴۲۶	ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: حوزه‌های تعامل و تقابل
۴۲۹	آسیای مرکزی بزرگ و استراتژی راه ابریشم جدید: ضرورت تشکیل اتحادیه کشورهای راه ابریشم
۴۳۵	منابع و مآخذ

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی

کتاب جدید ولی کوزه کرکالی، سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر سه کشور ایران، روسیه و چین متمرکز است. این کتاب، یک پژوهش به هنگام محسوب می‌شود و همچنین یک رطیفه بسیار دشوار را بر عهده گرفته است. جنگ در افغانستان، موجب توجه غیر قابل انتصار آمریکا و متحدین واشنگتن به تعارضات منطقه‌ای و چالش‌های ثبات و امنیت در منطقه آسیای مرکزی شده است. آسیای مرکزی به دلیل قرار گرفتن در مجاورت قدرت‌های بزرگ در پهنه پهناور آسیا، از دیرباز دارای موقعیت استراتژیک بوده است. این منطقه هیچ‌گاه برخوردار از یک جمعیت مسلط و ثابت نبوده است که بتواند امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی آن را فراهم سازد. بنابراین، منطقه آسیای مرکزی در سرتاسر تاریخ خود تحت نفوذ قدرت‌ها و امپراطوری‌ها بوده است. آسیای مرکزی در طول تاریخ، بارها شاهد تقسیم و تجزیه، یکپارچگی، تسخیر و فروپاشی بوده است. این منطقه، جولانگاه قدرت‌های بیرونی بوده است که هر یک منافع خاص خود را مطالبه می‌کردند. طی چندین قرن، موازنه قوا در طول زمان دچار تغییر شد و حاکمیت و تسلط بر منطقه در اختیار یک یا دو قدرت قرار گرفت.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، چالش‌های جدیدی را برای منطقه آسیای مرکزی به همراه داشت. در اندک زمانی، جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی تبدیل به بازیگران بین‌المللی شدند که منافع ملی و اولویت‌های سیاست خارجی خاص خود را تعریف می‌کردند. شکل‌گیری کشورهای مستقل در منطقه با جستجو و تکاپوی ایجاد مکانیسم‌های جدید برای اطمینان از امنیت منطقه‌ای و توجه به شکل‌های جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی، همراه شد. در حالی که کشورهای منطقه آسیای مرکزی، دومین دهه از استقلال خود را پشت سر می‌گذاشتند، امنیت کلی منطقه خارج از ثبات و غیر قابل پیش‌بینی است. آسیای مرکزی در وضعیتی متفاوت از قفقاز جنوبی و اوکراین، بدون موجودیت‌های سیاسی فاقد شناسایی بین‌المللی و نیز مناقشات عمومی - سیاسی بوده است؛ هر چند جنگ داخلی تاجیکستان، تهدیدی برای امنیت منطقه محسوب می‌شد. این وجود، مناقشات لاینحل مرزی و فقدان منابع آبی، زمینه‌های متعددی را برای تهدیدات منطقه در منطقه آسیای مرکزی ایجاد کرده است.

این شرایط پرتلاطم و آشفتن انگ زاننده منافع و تعهد بازیگران منطقه‌ای و جهانی در سطح منطقه آسیای مرکزی است. موقعیت ژئوپولیتیک آسیای مرکزی به خوبی مطالعه گردیده؛ اما این مطالعه، بیشتر در چارچوب رقابت‌های روسیه و آمریکا نگریسته شده است. این رویکرد برآمده از دیدگاه‌های دوران جنگ سرد است. در حالی که واقعیات ژئوپولیتیک آسیای مرکزی متأثر از عوامل بسیار پیچیده‌تری است و باید به نقش همسایگان نزدیک کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، یعنی فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین صورت گیرد. علاوه بر این، نقش اتحادیه اروپا به ریزه‌ساز از اتخاذ سیاست گسترش^۱ در امتداد دریای سیاه نیز نباید نادیده انگاشته شود.

برآیند این تحولات منتج به این مسئله می‌شود که چرا می‌توان از بازگشت آسیای مرکزی به عنوان یک «اتحادیه بزرگ»^۲ به سیاست بین‌الملل یاد نمود. در بخش نخست این کتاب، نویسنده در مورد تحول از «بازی بزرگ»^۳ (اصطلاحی که برای توصیف رقابت‌های روسیه و بریتانیا برای

1. Enlargement

2. Major League

3. Great Game

تسلط بر منطقه به کار گرفته شد) به «بازی بزرگ جدید»^۱ می‌نویسد در حالی که شکل جدید بازی در منطقه آسیای مرکزی بسیار متناقض‌تر و پیچیده‌تر از مورد مشابه گذشته آن است. آسیای مرکزی در وضعیتی متفاوت از قفقاز جنوبی و اوکراین، از برخی ویژگی‌های خاص برای مسکو و واشنگتن برخوردار است. نخست این که در روابط آمریکا و روسیه، کمتر برداشتی از منطقه آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه شدیداً رقابت‌آمیز وجود دارد. کشورهای منطقه تمایل روشنی برای عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا ندارند و موازنه‌گری آن‌ها میان مسکو و واشنگتن عمدتاً در چارچوب مناقشات دو جانبه و یاپویایی‌های ناشی از رقابت‌های منطقه‌ای تعیین می‌شود. (در ویژه میان قزاقستان - ازبکستان، قزاقیزستان - ازبکستان و نیز تاجیکستان - ازبکستان)، علی‌رغم اختلافات و مناقشات متعددی که میان آمریکا و روسیه در رابطه با سوریه، ایران و سایر بخش‌های شوروی سابق وجود دارد، جنگ علیه تروریسم در افغانستان از سال ۲۰۰۱ م. موجب نزدیکی منافع روسیه و آمریکا شده است، با وجود این، روسیه نگران تقویت روابط دو جانبه واشنگتن و کشورهای آسیای مرکزی به عنوان چالشی برای نقش برتر خود در منطقه است.

دومین نکته این که، آسیای مرکزی در وضعیتی متفاوت از قفقاز جنوبی و اوکراین، با توجه به عامل چین به عنوان بزرگ‌ترین همسایه منطقه، بیشتر یک عرصه رقابت و همکاری چندجانبه - و نه دو جانبه - است. مسکو به پکن به دید یک وزن تعادل در برابر اهداف آمریکا می‌نگرد. از سویی دیگر، روسیه همراه با چین و نیز سایر کشورهای منطقه در یک روند طولانی مناقشه با غرب بر سر اصل تخطی‌ناپذیر استقلال و حاکمیت در اعطای بروز منازعات و نیز توجیه مداخله در فراپندهای سیاسی داخلی به سر می‌برند. علاوه بر این، چین در رابطه با ارتقاء منافع اقتصادی خود در منطقه آسیای مرکزی بسیار فعال است، منافعی که این نگاه پکن غیر قابل گذشت و چشم‌پوشی است. از این منظر، پکن به عنوان یک رقیب برای مسکو در عرصه تحولات اقتصادی منطقه محسوب می‌شود.

البته همه بازیگران ذی‌نفع در منطقه باید به منافع ایران نیز توجه کنند. مقامات تهران مدعی هستند که آسیای مرکزی یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها در سیاست خارجی ایران است.

ایران به صورت جدی در ایجاد آتش‌بس و شکل‌گیری فرایند صلح در جنگ داخلی تاجیکستان و نیز حمایت از بازسازی افغانستان مشارکت داشته است. از این‌رو است که علی‌رغم اختلافات و مناقشات مداومی که در روابط ایران و آمریکا وجود دارد، واشنگتن نیز علاقه‌مند به حضور ایران در روند تحولات و نوسازی افغانستان است. بنابراین، «بازی بزرگ تجدید شده»^۱ در آسیای مرکزی بیانگر یک مجموعه پیچیده از چشم‌اندازهای ژئوپولیتیکی در قیاس با رقابت دو قدرت بزرگ (ر سیه و بریتانیا) در قرن نوزدهم است.

این کتاب نشان‌دهنده کوششی در جهت شناسایی ابعاد استراتژیکی ژئوپولیتیک کل منطقه، تعریف مجدد آن برای ایالات متحده و نیز پیامدهای آن برای منافع ایران، روسیه و چین است. اثر پیش و، یک زمینه وسیعی از مشارکت و حضور آمریکا در روند تحولات امنیتی و منطقه‌ای آسیای مرکزی را ترسیم می‌دهد. در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰م. منافع ایالات متحده در منطقه نسبتاً اندک بود. در این مقطع، واشنگتن با آرامش و به صورت مثبت نسبت به کوشش مسکو برای تداوم نقش مسلط خود در منطقه واکنش نشان می‌داد و از فعالیت‌های حفظ صلح در تاجیکستان حمایت می‌کرد. با وجود این، حضور اقتصادی ایالات متحده در حوزه دریای خزر موجب تقویت سطح نفوذ آمریکا در منطقه شد. در این مقطع، هر یک از کشورهای منطقه انگیزه‌های خاص خودشان را برای افزایش سطح مناسبات با ایالات متحده داشتند. در این بین، وقوع ترزادی ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن، عملیات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق (۲۰۰۱-۲۰۰۳م)، موجب افزایش اهمیت ژئوپولیتیکی آسیای مرکزی در سیاست خارجی آمریکا شد. هر چند واشنگتن نتوانست به صورت کامل به همه اهداف خود در رابطه با فرایند دموکراتیزاسیون در افغانستان و تقویت نهادهای قانونی در این کشور جامعه عمل بپوشاند.

اخیراً با توجه به درگیری‌هایی که آمریکا در حل و فصل بی‌ثباتی‌ها در منطقه خاورمیانه دارد، واشنگتن دیگر به منطقه آسیای مرکزی به عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود نمی‌نگرد. تردیدهای پیرامون آینده افغانستان به برخی چالش‌های جدی برای آسیای مرکزی پس از سال ۲۰۱۴م. دامن زده است. فروپاشی امنیت در این کشور می‌تواند به صورت

بالقوه تهدیدات و خطرهای موجود در سطح منطقه را چند برابر کند که از جمله آنها می‌توان به وجود درگیری‌های بین قومی (به ویژه در قرقیزستان) و یا رشد سلفی‌گری (که در دره فرغانه واقع در مثلث میان قرقیزستان- تاجیکستان- ازبکستان بسیار فعال است) اشاره نمود. این شرایط نیازمند همکاری کلیه بازیگران داخلی و خارجی است. هر چند تعریف همکاری میان روسیه، چین، ایران و آمریکا به صورت بالقوه محدود است. با وجود این، درک متقابل از آسیب‌های ناشی از تهدیدات مشترک نظیر تروریسم، رشد سلفی‌گری، واردات بدون کنترل مواد مخدر و فساد ناشی امنیت منطقه‌ای سه کانون نفوذ ژئوپولیتیکی می‌تواند چیزی شبیه «کسرت آسیای مرکزی»^۱ را شکل دهد؛ امری که در صورت تحقق می‌تواند توازن در منافع متفاوت و همکاری‌های سرگراانه را ارتقاء بخشد.

روسیه به کوشش خود برای باز پس‌گیری نقش و جایگاه انحصاری خود در سطح منطقه ادامه می‌دهد؛ با وجود این، مسکو در راستای منافع ملی خود آماده همکاری با سایر بازیگران (ایالات متحده، چین و ایران) در خاور میانه و خاور میانه است. این موضوعات مختلف است. به نظر می‌رسد که توافقات هدفمند، این آمادگی به نفس خود، چرا خوب یک مشارکت استراتژیک وجود ندارد، اما می‌تواند به عنوان دستور کار مهم منطقه‌ای به آن توجه شود. تنها در این صورت است که در شرایط رقابت‌آمیز کنونی، بتوان اهداف مرتبط با برقرار آرامش در این منطقه پرتلاطم را عینیت بخشید. این امر در قبال هر موضوعی، تنها می‌تواند از طریق اعمال رویکردهای چندجانبه به صلح و امنیت منطقه‌ای با توجه به عواملی چون منافع امنیتی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، میراث تاریخی منطقه و اهمیت توانامن سنت‌ها و وضعیت بای کوهی، محقق شود. مهم‌ترین ارزش کتاب ولی کوزه‌گر کالجی، تجزیه و تحلیل پویایی‌های سیاست خارجی در حال تحول است. این موضوع با توجه به این که سیاست خارجی به عنوان یک پدیده متغیر، متأثر از عوامل اقتصادی و ژئوپولیتیکی است، بسیار خوب توصیف شده و با مقایسه استراتژی‌ها و ایده‌های مختلف، مسیری از فرصت‌ها را برای کشورهای درگیر در منطقه آسیای مرکزی گشوده است. مطالعه این اثر با توجه به داده‌های تجربی غنی و برخورداری از «زمینه

روش‌شناسی»^۱ برای دانشجویان مفید خواهد بود. مولف، نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل و پیش‌زمینه‌های تاریخی را در پژوهش خود به کار گرفته است تا به خوانندگان در فهم بهتر چگونگی تبدیل «بازی بزرگ» به «بازی بزرگ جدید» یاری رساند.

دکتر سرگئی مارکدوف

دانشیار دانشکده سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای

دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه

مسکو - فوریه ۲۰۱۵ م.

گفتم ز کجایی تم بخیر نه گفت ای جان

نیمیم ز ترکستان نیمیم ز قرغانه

مولوی

«آسیای مرکزی»^۱ که در منابع کهن غربی و فارسی از آن تحت عنوان «ماوراءالنهر»، «فرا رود»، «میان رودان»، «آسیای وسطی» و «ترکستان»^۲ در منابع روسی با نام «آسیای میانه»^۳ یاد شده است، سرزمین پهناوری در قاره آسیا است که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد. اگر چه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است، اما معمولاً آن را دربرگیرنده کشورهای امروزی یعنی پنج کشور تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌دانند. در بسیاوی از تعاریف، اغلب سرزمین‌های دیگری چون افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان و حتی سین‌کیانگ (ترکستان شرقی قدیم) در غرب چین و جنوب سیری در روسیه نیز شامل آسیای مرکزی می‌شوند. ایده نامیدن این مناطق به عنوان یک منطقه مشخص و مجزای جغرافیایی با نام «آسیای مرکزی» در سال ۱۸۴۳م. توسط جغرافیدان آلمانی، «الکساندر فون هومبولت»^۴ مطرح شد.

1. Central Asia
2. Middle Asia
3. Alexander von Humboldt

به لحاظ تاریخی، منطقه آسیای مرکزی یکی از کهن‌ترین مناطق تمدن بشری است که بیش از هر چیز، تاریخ دیرپای آن با کوچ‌نشینی اقوام ساکن در این منطقه و جاده تاریخی راه ابریشم پیوند خورده است. برای قرن‌های متمادی، آسیای مرکزی به عنوان پلی برای انتقال مردم، کالاها و اندیشه‌ها میان شرق دور با خاورمیانه و جهان غرب عمل نمود که این امر تأثیرات شگرفی را بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه برجای نهاده است. آسیای مرکزی در تاریخ دیرپا و پر فراز و نشیب خود، تغییرات و تحولات فراوانی را تجربه نموده و در ادوار مختلف تاریخی شاهد تسلط امپراطوری‌های باستانی ایران و چین، خلافت‌های اسلامی، حکومت‌های نیمه مستقل و مستقل ایرانی و در نهایت سلطه ۱۳۰ ساله روس‌ها (امپراطوری روسیه تزاری - اتحاد جماهیر شوروی) بوده است.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ م. موجب شد منطقه آسیای مرکزی برای نخستین‌بار بتواند بدون سلطه در منطقه قدرت خارجی، به هویتی مستقل دست یابد و در درون خود شاهد شکل‌گیری پنج کشور مستقل تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان باشد. با وجود لذت و سرخوشی آن به دستیابی به استقلال سیاسی، رهایی از نظام توتالیتر کمونیستی و تحمیل فرهنگ و زبان روسی و احیای ارزش‌های ملی و قومی برای ملت‌ها و نخبگان منطقه آسیای مرکزی به دنبال شد. اما مشکلات و چالش‌های فراوان ناشی از صورت‌بندی متکثر قومی، مذهبی و زبانی، مرزبندی‌های تحمیلی و ناهمخوان با این صورت‌بندی متکثر، اختلافات دیرپای تاریخی برخی از اقوام، تاخیر چند سده‌ای واحدهای سیاسی منطقه در روند دولت-ملت‌سازی (کشور-ملت-پایه)، تأخیر مراثت‌تاریسم و بلشویسم بر اقتدارگرایی رهبران منطقه و مقاومت آن‌ها در برابر روند دموکراسی‌خواهی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گذار از اقتصاد متمرکز سوسیالیستی به اقتصاد لیبرال بازار آزاد، خلاء قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ورود بازیگران مختلف به عرصه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه آسیای مرکزی، موجب شد منطقه‌ای با ساختار به شدت آناشیک شکل گیرد؛ که آثار آن نه تنها صلح، ثبات و توسعه این منطقه را تحت تأثیر قرار داده، بلکه بر امنیت و منافع مناطق پیرامونی آن نیز پیامدهای قابل توجهی برجای نهاده است.

اکنون بیش از دو دهه از استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی می‌گذرد و منطقه همچنان مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری خلق چین، افغانستان، پاکستان، هند، ترکیه، اسرائیل، عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از جمله بازیگران فعال و تاثیرگذار در تحولات منطقه آسیای مرکزی طی دو دهه گذشته بوده‌اند که برآیند اهداف و منافع همسو و یا متعارض آن‌ها موجب شکل‌گیری «بازی بزرگ جدید»^۱ در این منطقه شده است. که یادآور «بازی بزرگ»^۲ قرن نوزدهم میلان امپراطوری روسیه تزاری و بریتانیای کبیر است.

بدون تردید، بخش مهمی از شکل‌گیری و تداوم «بازی بزرگ جدید» در فضای ژئوپولیتیک منطقه آسیای مرکزی را باید نتیجه حضور و نقش‌آفرینی ایالات متحده آمریکا دانست. آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت به جامانده از جنگ سرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را فرصت گران‌سنگی برای حضور در مناطقی چون آسیای مرکزی، قفقاز، حوزه دریای سیاه و بالتیک و نیز شرق اروپا یافت. هدف اصلی و کلیدی، حفظ قدرت هژمونیک ایالات متحده در جهان پس از جنگ سرد بود. در واقع الزامات «بازی بزرگ جدید» ایالات متحده آمریکا در جهان پس از جنگ سرد که از لحاظ معنی و مفهوم تفاوت‌های بنیادی با مفاهیمی چون «استعمار» و «امپریالیسم» دارد، موجب شد آمریکا بر پایه سه اصل «اشعاع»، «گسترش» و «مداخله‌گرایی» در منطقه‌ای حضور یابد که هزاران کیلومتر دورتر از خاک آمریکا است. میانگین فاصله واشنگتن با پایتخت‌های پنج کشور منطقه آسیای مرکزی شانزده ساله و فاصله ۱۰ هزار کیلومتری میان آمریکا و منطقه آسیای مرکزی است.

در این بین، آنچه موجب حساسیت و توجه به حضور واشنگتن در منطقه آسیای مرکزی شده است، وجود سه قدرت رقیب یعنی جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین در مجاورت منطقه آسیای مرکزی است. طی دو دهه گذشته نحوه «تعامل و یا تقابل» این سه قدرت منطقه‌ای و جهانی با اهداف، سیاست‌ها و رویکردهای مختلف ایالات

1. New Great Game

2. Great Game

متحدۀ آمریکا، بخش مهمی از روند «بازی بزرگ جدید» را شکل بخشیده است. این «تعامل و یا تقابل» در مواجهه با طیف وسیع و متنوعی از اهداف و منافع هژمونیک سیاسی (تغییر الگوی رفتاری در آسیای مرکزی)، هژمونیک امنیتی - استراتژیک (حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی)، هژمونیک اقتصادی (اقتصادگرایی و ثبات هژمونیک به محوریت منابع انرژی در آسیای مرکزی) و هژمونیک فرهنگی (نظم آمریکایی و توسعه لیبرالیسم در آسیای مرکزی) شکل گرفته است که برآیند آن را طی ۲۵ سال گذشته، می‌توان در مواردی چون نفوذ در عرصه یوپو، نیک منطقه آسیای مرکزی، محدود ساختن قدرت و نفوذ فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران در منطقه، مقابله با بنیادگرایی دینی و تروریسم، حضور مستقیم نظامی در منطقه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. (پایگاه کارشی - خان‌آباد ازبکستان و مناسب قرار دادن استفاده لجستیکی از منطقه آسیای مرکزی برای پیشبرد عملیات نیروهای ائتلاف در افغانستان و حضور گسترده در طرح‌های اقتصادی منطقه به ویژه خطوط انتقال انرژی (سیاست خطوط لوله)،^۱ دانست. طراحی و اجرای مکانیسم‌های جدیدی از همگرایی منطقه‌ای به ویژه طرح «آسیای مرکزی بزرگ»^۲ و «استراتژی راه ابریشم جدید»،^۳ ایجاد و تقویت «شبکه توزیع شمالی»^۴ به منظور تضمین تداوم عملیات پشتیبانی از نیروهای ائتلاف در افغانستان از مسیر آسیای مرکزی و در نهایت موضوع خروج نیروهای آمریکایی و اعضای ائتلاف از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ م. از مهمترین و مهم‌ترین موضوعاتی است که سیاست خارجی ایالات متحدۀ آمریکا طی سال‌های اخیر در سطح منطقه آسیای مرکزی و مناطق پیرامون آن دنبال نموده است.

روشن است که هر یک از اهداف و برنامه‌های یاد شده به گونه‌ای متشرب اهداف و منافع کشورهای منطقه آسیای مرکزی به ویژه سه کشور مجاور آن یعنی ایران، روسیه و چین تأثیرات خاص خود را برای خواهد گذاشت. بی‌تردید، درک مناسب و واقع‌بینانه از این تحولات پرشتاب و پیچیده در گرو مطالعه و واکاوی پیامدهای سیاست خارجی ایالات

1. Pipeline Politics
2. Greater Central Asia
3. New Silk Road Strategy
4. Northern Distribution Network (NDN)

متحدہ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی بر اهداف و منافع ایران، روسیه و چین و نیز نوع تعامل و یا تقابل این سه بازیگر با این سیاست‌ها، از ابتدای دهه ۱۹۹۰م تاکنون است. هر چند، در رابطه با اهداف و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی به ویژه پیامدهای آن بر منافع ایران، روسیه و چین در محافل تحقیقاتی و دانشگاهی کشورمان، آثار متعددی (در قالب مقالات تحلیلی و یا رساله‌های دانشگاهی) طی دو دهه گذشته نگاشته شده و در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار گرفته است، اما حقیقت آن است که علی‌رغم اهمیت موضوع، به لحاظ تحولات منطقه و بین‌المللی و نیز افزایش مباحث مربوط به آن در سال‌های اخیر، پژوهشی جامع، مستقل و قانع‌کننده درباره این موضوع صورت نگرفته است. خلاء بهره‌گیری از «رویکرد تطبیقی» نیز از جمله بالذات‌های مهم این آثار به شمار می‌رود. این پژوهش با هدف برطرف نمودن این خلاء شکل گرفته است و امید دارد بتواند بخشی از کاستی‌های و خلأهای آثار پیشین این حوزه را برطرف نماید.

پژوهش پیش‌رو، به منظور تحقق این هدف، در چارچوب یک «رویکرد تطبیقی» به بررسی «اهداف و منافع سه کشور ایران، روسیه و چین در منطقه آسیای مرکزی» با توجه به «عامل سیاست خارجی آمریکا» می‌پردازد. در این مطالعه پیامدهای سیاست خارجی ایالات متحده، نحوه «تعامل و یا تقابل» سه بازیگر یاد شده را نیز در مواجهه با این سیاست‌ها از ابتدای دهه ۱۹۹۰م تا پایان سال ۲۰۱۴م، مورد واکاوی قرار داده است. در واقع این پژوهش چهار نگاه ایرانی، روسی، چینی و آمریکایی به منطقه آسیای مرکزی را به صورت هم‌زمان مطرح می‌کند تا از خلال آن، سیاست‌ها و رویکردهای این چهار بازیگر فعال و تاثیرگذار در روند تحولات منطقه آسیای مرکزی، بهتر درک و تبیین شود. بدین منظور، پژوهش پیش‌رو، در بخش‌های سازماندهی شده است. در بخش نخست (کلیات) موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی منطقه آسیای مرکزی و روند تحولات جدید آن مورد مطالعه قرار گرفته و مفاهیمی چون هم‌مونی و ضد هم‌مونی و نیز موازنه نرم و موازنه سخت (به عنوان چارچوب مفهومی) تشریح و تبیین شده است. بخش دوم، تحت عنوان «مطالعه تطبیقی جایگاه ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی» به مطالعه جایگاه و نقش سه کشور ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی در پنج حوزه جغرافیایی - ژئوپولیتیکی، سیاسی، دفاعی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی می‌پردازد. بخش سوم نیز تحت عنوان

«پیامد سیاست خارجی آمریکا بر منافع سه کشور در آسیای مرکزی» در سه فصل جداگانه و در یک رویکرد تاریخی - تحلیلی و با رعایت اصل «کرونولوژی»^۱ به مطالعه و واکاوی پیامدهای سیاست‌ها و رویکردهای دولت‌های مختلف آمریکا از جرج بوش پدر تا باراک اوباما بر منافع ایران، روسیه و چین در منطقه آسیای مرکزی می‌پردازد. بخش چهارم نیز با عنوان «الگوهای ضد هژمونی سه کشور در قبال آمریکا: نظم موازنه محور در آسیای مرکزی»، نحوه مواجهه متفاوت سه کشور ایران، روسیه و چین با سیاست‌های ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نهایت، در بخش پنجم نیز با عنوان «جایگاه ایران در تحولات آسیای مرکزی. راهبردها، پیشنهادی»، کوشش شده است با توجه به واقعیات و امکانات و به عبارتی دیگر «مقدورات و محسورات» پیش‌روی سیاست خارجی ایران، پیشنهادهایی در راستای پیشبرد اهداف و منافع ایران در سطح منطقه آسیای مرکزی ارائه شود.

تدوین این اثر بر عهده حمایت‌های افراد مختلفی است که سیاس فراوانم را می‌طلبد. نخست، لازم می‌دانم سیاس و احترام فراوان خود را تقدیم مدیران معاونت آموزش و پژوهش و نیز دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه نمایم که زمینه انجام این پژوهش را فراهم ساختند. جناب آقای محمدرضا بهرامی (مدیر سابق گروه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز و سفیر کنونی ایران در افغانستان) که پیشنهاد انجام این پژوهش را نخستین بار با مولف مطرح و دلسوزانه روند تصویب آن را پیگیری نمودند، جناب آقای دکتر هادی سلیمان‌پور (ریاست مرکز آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه)، دکتر مصطفی دوانی (مدیرکل سابق دفتر مطالعات)، جناب آقای دکتر احمد صادقی (معاون مدیرکل دفتر مطالعات) و جناب آقای دکتر مصطفی زهرانی (مدیرکل دفتر مطالعات) از جمله بزرگوارانی هستند که سیاس فراوانم را تقدیم آنان می‌کنم. طی یک دهه همکاری با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بزرگوارانی بوده‌اند که از هیچ‌گونه حمایت و راهنمایی دریغ ننمودند. دکتر سید محمدکاظم سجادیپور، دکتر سید رسول موسوی، دکتر منوچهر مرادی، دکتر علیرضا کسایی، آقایان علی مجتبی روزبهانی، قاسم ملکی و امیر مسعود اجتهادی و خانم‌ها زیبا فرزین‌نیا، زهرا طاهری امین و

ستاره ملک‌آسا از جمله این بزرگواران هستند که از همه آن‌ها سپاسگذارم. همچنین، لطف و حسن اعتماد دکتر «سرگئی مارکدونوف»^۱ دانشیار «دانشکده سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه»^۲ را در نگارش مقدمه‌ای بر این اثر با عنوان «سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی»، سپاس می‌گویم. آنچه مقدمه دکتر مارکدونوف را ارزشمند می‌سازد، تجربه حضور یک دهه‌ای این اندیشمند روس در مراکز مختلف تحقیقاتی ایالات متحده است. همین امر، امکان تحلیل درست، واقع‌بینانه و علمی از اهداف و الگوهای سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر سه کشور ایران، روسیه و چین را فراهم ساخته است. امید است مقدمه ایشان به عنوان نمل این اثر، مورد توجه و استفاده علاقه‌مندان به مباحث حوزه آسیای مرکزی قرار گیرد. در پایان از استاد خانوادهم که با متانت و گذشت و درک استلزامات پژوهش علمی، امکان تحقیق و مطالعه را فراهم ساختند، نیز صمیمانه سپاسگذارم. بدیهی است نویسنده مدعی ارائه اثری جامع پیرامون موضوع مورد پژوهش نیست و مسلماً نواقص آن از دیدگاه صاحب‌نظران آگاه به مسائل این منطقه دور نخواهد ماند. امید است این خدمت علمی هر چند کوچک به علاقه‌مندان حوزه مطالعات آسیای مرکزی مفید واقع شود و اساتید و صاحب‌نظران این حوزه با نقد عالمانه خود، زمینه غنای بیشتر آن را در آیند فراهم نمایند.

رحمات جناب آقای مرتضی دامن پاک جامی، معاون پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی و نیز اداره نشر وزارت امور خارجه به ویژه جناب آقای حسین طالاشی صالحانی (ریاست اداره نشر) و خانم بینا طهرانیان که با دقت و دلسوزی روح انتشار این اثر را پیگیری نمودند، سپاس فراوانم را می‌طلبید.

ولی کریم، کالجی

بهار ۱۴۰۳

1. Sergey Markedonov

2. Regional Studies and Foreign Policy Department of the Russian State University for Humanities